

رقابت پذیری و عدالت خواهی

دکتر غلامحسن عبیری

مقدمه

رویدادهای غیرمنتظره و تحولات غیرمعمول، اصولاً بر بازار و به ویژه بر بازارهای بورس اثر می‌گذارند و ضمن برهم زدن شرایط تعادل، بی‌نظمی خاصی را بر بازار تحمیل می‌کنند. این پدیده به دفعات در کشورهای فراصنعتی امروز و صنعتی دیروز دیده شده و تجربه‌های گسترده‌ای از این دست در ادبیات اقتصادی بازار موجود است. واقعه یازده سپتامبر و شوک‌های وارده بر بازار بورس نیویورک از آن جمله است. پرسشی که در این شرایط مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان شرایط تعادل را در بازار احیا نمود؟ آیا باید منتظر "دست نامرئی" آدام اسمیت - پدر پیر اقتصاد بریتانیای کبیر - بمانیم یا تئوری عرضه و تقاضا را در جامعه تقویت نماییم؟ در واقع، چگونه باید رمز و راز حفظ نظم در بازار شناسایی شود؟ و چگونه می‌توانیم از ورود عوامل برهم‌زننده نظم بازار جلوگیری کنیم؟

تجربه امروز آمریکا را بازنگری نمایید: با وجود این که دو دوره هشت‌ساله از ریاست جمهوری در این جامعه فراصنعتی سپری می‌شود، اما در مورد آقای Greenspan - مغز متفکر اقتصاد تریلیارد دلاری آمریکا - هیچ پرسشی مطرح نیست. این اقتصاددان برجسته به خوبی توانست دو ساختار اقتصادی بالونی و اقتصاد کابوی آمریکا را که در چرخه تحول رایانه‌های شخصی و پدیده تروریسم - حمله آمریکا به عراق و افغانستان - شکل گرفته بود، به یکدیگر مرتبط کند و جلوی بحران بازار بورس در ایالات متحده را بگیرد. راز موفقیت و سلطه اندیشه‌های آقای Greenspan در هماهنگ کردن بازارهایی است که مستقل عمل می‌کنند و اصل حداکثر نمودن مطلوبیت را برای تمامی کارگزاران محترم می‌شمارند. این پدیده در جامعه ایران دهه هشتاد شمسی چگونه مورد تحلیل قرار می‌گیرد؟ و چه اصولی را می‌بایست مورد توجه قرار داد تا بازارها پویایی لازم را پیدا کنند؟ این نوشتار گامی است در جهت شناخت پیشینه و اصول حاکم بر بازارهای رقابتی با تاکید بر عدالت خواهی.

دنیای جان استوارت میل

شناخت پروفیسور میل (J.S.Mill / ۱۸۰۶-۱۸۷۳) در یکصد و پنجاه سال قبل چندان کار ساده‌ای نبود، زیرا عبور از اندیشه‌های آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۹۳) به عنوان پدر علم اقتصاد با ایده‌های کلیدی‌اش مانند اصل تقسیم کار، ابعاد بازار، اقتصاد بازار، اهمیت تجارت آزاد و نقش مهم دولت در قلب مردم، چندان ساده و سهل به نظر نمی‌رسید. با وجود این، میل با تکیه بر این باور که همواره می‌توان شرایط زندگی مردم را بهبود بخشید، سه ایده کلیدی را مطرح نمود که فضای حمایت از توزیع عادلانه ثروت را به وجود می‌آورد. این محورها عبارت بودند از:

- ۱- آزادی (Liberty)،
- ۲- رقابت (Competition)،
- ۳- عرضه و تقاضا (Demand & Supply).

جان استوارت میل با تکیه بر این باور که همواره می‌توان شرایط زندگی مردم را بهبود بخشید، سه ایده کلیدی را مطرح نمود که فضای حمایت از توزیع عادلانه ثروت را به وجود می‌آورد: آزادی، رقابت، عرضه و تقاضا.

مفاهیم توضیح‌دهنده هریک از این محورها تقریباً در طول یکصد سال گذشته با تغییرات اساسی روبرو شده، اما ماهیت آنها تقریباً ثابت مانده است. برای مثال، تاکید بر آزادی، با گرایش آزادی سیاسی (Political Freedom) و آزادی اجتماعی (Social Freedom) شکل گرفت که هنوز محورهای اساسی تصمیم‌گیران سیاسی می‌باشد. همچنین در حوزه رقابت این باور پذیرش عام داشت که "ایجاد هر محدودیتی، یک گناه بشمار می‌رود". در نهایت انتظار از عرضه و تقاضا هم ایجاد تعادل در بازار بود (۱۸۴۸).

بدین ترتیب، دنیای جان استوارت میل، دنیایی بزرگ به عظمت کره خاکی بود. این فیلسوف انگلیسی با خلق هزینه فرصت از دست‌رفته، مقیاس اقتصادی، معمای ادغام هزینه‌ها (Joint Cost) و تبعیض جنبی بازار نیروی کار را متحول ساخت. وی با اثر معروفش "اصول اقتصاد سیاسی" که در زمان حیاتش هفت بار تجدید چاپ

انتظار رقابت پذیری از بازارها، کار چندان ساده‌ای نیست و نظام اجتماعی مبتنی بر توزیع عادلانه ثروت هنوز شکل نگرفته است.

۵- بنگاه‌ها و خریداران به طور کامل از قیمت کالای هر یک از بنگاه‌های دیگر آن صنعت اطلاع دارند.
از اینرو، هیچ بنگاهی نمی‌تواند هیچگونه تاثیری بر قیمت کالاها بگذارد. در دنیای واقعی این شرایط کمتر اتفاق می‌افتد.
در شرایط انحصار، تولیدکننده در سطح کل صنعت، یک بنگاه اقتصادی است و معمولاً منحنی تقاضا برای کالاها بدون کشش (Inelastic) می‌باشد. در این شرایط، اگر بنگاه درصد ماکزیم‌کردن سود باشد، می‌بایست هزینه نهایی و درآمد نهایی‌اش برابر باشد. در این شرایط - انحصاری - این فرصت وجود دارد که سود بیشتر از نرمال به دست آید. در دنیای واقعی، شرایط انحصار کامل (Absolute) وجود ندارد. بنابراین، ساختار واقعی بازار بین دو حد رقابت کامل و انحصار کامل در نوسان است.

شرایط انحصار عمدتاً عبارتند از:

- ۱- مقیاس تولید بنگاه نسبت به بازار در حدی است که تنها یک تولیدکننده می‌تواند کارایی عملیاتی داشته باشد.
- ۲- محصول بنگاه کاملاً متمایز از دیگر بنگاه‌ها است.
- ۳- برای ورود به بازار موانعی وجود دارد.
- ۴- حقوق مالکیت (Patent Rights) اجازه استفاده از تکنیک تولید را نمی‌دهد.

۵- هزینه حمل‌ونقل آتقدر زیاد است که انحصار محلی تشویق می‌شود.

② جان استوارت میل.

عدالت‌خواهی در عمل محصول پذیرش عواملی است که بتوانند چرخه توزیع ثروت را بهبود بخشند.

اما رقابت ناقص که برای اولین بار توسط خانم Robinson (۱۹۸۳-۱۹۰۳) ارائه شد، به حالتی گفته می‌شود که یکی از مفروضات بازار رقابت کامل نقض شود. این حالت مشابه رقابت انحصاری است^(۲). خانم رابینسون سود حاصل از این بازار را خوراک رشد اقتصادی می‌داند.

تئوری نیوکلاسیک رقابت کامل در سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۰ شکل گرفت و اقتصاد کلاسیک به اقتصاد نیوکلاسیک تبدیل شد. این تغییر و تبدیل، تئوری اقتصاد خرد مدرن را به‌وجود آورد و امروز اصول این تئوری کاربرد وسیعی در امر سیاست‌گذاری و تخصیص منابع دارد.

هدف اصلی از پدیده بازار، تفهیم "ماشین حرکت" برای تخصیص منابع است، به طوری که امر توزیع ثروت و کارایی منابع را به عهده گیرد. Hahn (۱۹۹۱) این پرسش کلیدی را مطرح می‌سازد که "انتخاب‌های غیرمتمرکز" چگونه می‌توانند در جهت اقتصادی که درصدد به‌حد اکثر رساندن مطلوبیت است، به گونه‌ای هماهنگ عمل کنند^(۳)؟

شد، کاربرد اندیشه‌های فلسفی را در حوزه اجتماع به تصویر کشاند. وی همچنین با توسعه تئوری تقاضا (Reciprocal Demand) که به توضیح شرایط مبادله تجاری با تکیه بر "مزیت‌های نسبی" می‌پرداخت، دنیای تجارت آزاد را قانونمند ساخت. بعدها این اصل توسط سایر اندیشمندان متحول شد و "مزیت رقابتی" جای "مزیت نسبی" را گرفت.

اهمیت و جایگاه مهم میل، به این خاطر بود که وی به عنوان یک اقتصاددان به خوبی توانست سنتز مناسبی از اقتصاد موردنظر Ricardo (۱۸۲۳ - ۱۷۷۲) و پیروانش (Post-Ricardian) را در قالب اقتصاد کلاسیک‌ها ارائه دهد و زمینه حرکت به سمت تجزیه و تحلیل نهایی را برای نیوکلاسیک‌ها فراهم سازد. در واقع، وی پیوند مناسبی بین فلسفه سیاست (Political Philosophy) و دکترین اقتصادی ایجاد نمود و زمینه اصلاحات اجتماعی را در جهت آزادی فراهم آورد. اثر معروف این استاد - On Liberty - در سال ۱۸۵۹ اصول "عدم‌مداخله" با تکیه بر آزادی فردی را به خوبی ارائه می‌دهد. با وجود این که استاد خود مدعی است که تنها دیدگاه‌های آدام اسمیت را در ثروت ملل به‌روز کرده و در این مسیر کارهای ریکاردو، ژان باتیست سه (J.B.Say) و توماس مالتوس (T.Malthus) را لحاظ کرده است، اما واقعیت این است که وی با خلق ایده‌های مناسب، تحول چشمگیری را در زمان خود پایه‌گذاری کرد که از آن جمله تئوری تقاضا و عرضه است^(۱).

تخصیص منابع

دستیابی به تخصیص منابع به صورت کارآمد، مستلزم چه نوع ساختاری است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان سه ساختار زیر را مورد توجه قرار داد:

الگوهای تخصیص منابع در ساختار اقتصادی

ساختار بازار	راه‌نما	نتایج کلیدی
۱- رقابت کامل	قیمت‌گذاری بر مبنای هزینه نهایی	تخصیص به‌صورت کارآمد و عدالت‌گرا
۲- انحصار	قیمت‌گذاری بر مبنای هزینه نهایی	تخصیص غیرکارآمد
۳- رقابت ناقص	دوری جستن از قیمت‌گذاری بر مبنای هزینه نهایی	عدم کارایی و سود بالاتر از نرمال

اقتصاددانان حداکثر یا اوج شرایط رقابت را "رقابت کامل" می‌دانند. رقابت کامل مدلی از بازار است که در آن شرایط زیر لحاظ شده باشد:

۱- تعداد بنگاه‌های اقتصادی زیاد است و کالاها مشابیهی به فروش می‌رسند.

۲- تعداد خریداران زیاد است.

۳- برای ورود و خروج از بازار، محدودیتی وجود ندارد.

۴- بنگاه‌های موجود در صنعت، هیچ مزیتی نسبت به بنگاه‌های تازه‌وارد ندارند.

در ساختار اقتصادی کشورهایی که آرایش سیاسی‌شان در حال تغییر است، بازارها به طور هماهنگ با تحولات سیاسی پیش نمی‌روند و نوسانات ساختار اقتصادی، فضای مناسبی را برای تخصیص بهینه منابع فراهم نمی‌آورد.

رقابت برای منابع

گسترده نشان‌دهنده وجود نارسایی در ساختار ارتباط سیاست و اقتصاد است و از این رو است که بیشترین تلاش متوجه تغییر ساختار سیاسی جامعه می‌باشد. طبیعی است که به سهولت نمی‌توان فضای رقابتی را در کشورهای در حال توسعه نهادینه ساخت، زیرا دستیابی به تعادل اقتصادی (Equilibrium) یعنی شرایطی که هر فرد یا بنگاه بتواند با توجه به فرصت‌هایی که برای وی فراهم است، به حداکثر مطلوبیت دست یابد، میسر نیست.

تعامل بین بازارها

شناخت سیستم تعامل بین بازارها چندان کار ساده و سهلی به نظر نمی‌رسد، زیرا روابط درونی و تشخیص سیستم‌های هم‌خانواده (همگن) از سیستم‌های فرعی کار دشواری است. عوامل گسستگی و نیروهای پیوستگی میان بازارها، محیط مبادلات اقتصادی را به معیارهای احتیاطی و سفته‌بازی محدود کرده است. در این زمینه لازم به توضیح است که در علوم کلاسیک، اصلی کلی درباره نیروهای متعامل وجود دارد که بیان‌کننده این پدیده است که اگر تعدادی نیرو در حال تعادل باشند و نیروی جدیدی به آنها وارد شود، نیروهای موجود تا حد توان سعی می‌کنند تا با گرفتن آرایشی تازه، با نیروی جدید معامله نمایند تا تعادل برقرار شود (Le Chatelier Principle)^(۸).

بازار در شرایط رقابت انحصاری، به گونه‌ای عدالت‌گرا عمل می‌کند.

واقعیت در کشورهای در حال توسعه بر این منوال است که تعادل مفهومی عام دارد و آنچه به عنوان تعادل مورد توجه سیاست‌گذاران است، با آنچه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، یعنی تعادل‌های ناپایدار - Unstable Equilibrium - متفاوت است و به علت این ناپایداری، رابطه بین بازارهای قوی و بازارهای ضعیف است. بازارهای قوی به بازارهایی اطلاق می‌شود که پول قوی در آنها جریان دارد و بازارهای ضعیف، بازارهایی هستند که پول در جریان دادوستد، متأثر از تعامل‌های پول قوی در بازارهای مختلف، تضعیف‌کننده ارزش پول آن بازار باشد. از این رو، ملاحظه می‌کنید که "ارزش سهام" در بازار بورس کشورهای در حال توسعه به علت عدم استقلال بانک مرکزی و عدم پایداری بانک مرکزی به حفظ ارزش پول رایج کشور، هر لحظه می‌تواند تحت‌تاثیر ورود نیروهای جدید به بازار قرار گیرد و با بحران روبرو شود. به عبارت ساده‌تر، گرایش به ثبات و سازش‌پذیری، ضعیف‌تر از تعامل واکنش‌ها به فسادگرایی و سلطه‌پذیری عمل می‌کند. این فضا اصولاً برای دوام و بقای نظام بازار، خطرناک و هشداردهنده است.

بازارهای پول و سرمایه معمولاً از تناسب کافی برخوردار نیستند و مردم نیز می‌خواهند از این عدم تناسب رانت‌های موردنظر را هدف قرار دهند. از این رو، آسیب‌پذیری بازار بورس در اثر تغییرات محیطی، امری طبیعی و قابل‌پیش‌بینی است. بورس کراچی در گذشته تجربه بحران بورس تهران را پشت سر گذاشت و از چرخه بازار بورس جهانی خارج شد.

خروج پول‌های کثیف از چرخه بازار پول و تقویت بازار سرمایه از طریق شفاف‌سازی، دو سیاست مثبت در جهت بهبود تعامل در بازار بورس بشمار می‌روند. بدیهی است که اجرائی‌نشدن این سیاست، گرایش به حفظ انحصار و عدم تقویت معیارهای مناسب رقابت‌پذیری را به دنبال دارد.

اگر در دهه ۱۹۶۰ مفهوم رقابت در حوزه کالای جدید، فناوری نوین و سازماندهی جدید تعریف می‌شد و فضای تصمیم‌گیری را تحت‌تاثیر قرار می‌داد، در دهه ۱۹۸۰ مفهوم رقابت از منظر مزیت کیفی (Quality Advantage) توجه اقتصاددانان را به سوی خود جلب نمود (Porter / ۱۹۸۵)^(۴).

رقابت در واقع در جهت دستیابی به منابع بهتر و ظرفیت‌سازی بیشتر سازماندهی می‌شود و این پدیده به نحو مطلوبی در رساله Hamel و Prahalad (۱۹۹۰) مورد توجه قرار گرفته است^(۵).

Arrow (۱۹۸۳) نیز با این فرض رقابت را توضیح می‌دهد که تصمیم‌گیری خانواده و بنگاه اقتصادی مستقل از قیمت‌گذاری می‌باشد^(۶). به عبارت ساده‌تر، فضای تصمیم‌گیری بر روند قیمت‌گذاری تأثیرگذار نیست. این محیط برای ساختار اقتصادی تعریف می‌شود که سه ویژگی زیر در آن قطعیت دارد^(۷):

الف) ماکزیم‌نمودن سود (Profit Maximisation).

ب) دانش کامل (Perfect Knowledge).

پ) بازار کامل (Perfect Market).

حال در عمل این فرایند در کشورهای فراسنعتی، صنعتی و در حال توسعه عملکردهای متفاوتی را منعکس می‌سازد. برای مثال، در خصوص ماکزیم‌نمودن سود، رفتارهای سرمایه‌گذاران (Entrepreneur) ضرورتاً مسیر دستیابی به سود حداکثر را نشان نمی‌دهد، زیرا محدودیت‌ها و شرایط خاص محیطی صرفاً به حوزه اقتصاد ختم نمی‌شود. همچنین در خصوص دانش کامل، خریداران و فروشندگان اطلاعات کافی از فضای بازار نداشته‌اند و اهداف معین و شناخته‌شده‌ای را دنبال نمی‌کنند. در خصوص عملکرد کامل بازار نیز این نارسایی وجود دارد که در عمل کالاها همگن معرفی نمی‌شوند و در کوتاه‌مدت آزادی ورود و خروج از بازار برای بنگاه منطقی و ساده نیست.

با این مفروضات ملاحظه می‌کنید که انتظار رقابت‌پذیری از بازارها کار چندان ساده‌ای نیست و نظام اجتماعی مبتنی بر توزیع عادلانه ثروت هنوز شکل نگرفته است.

در بازار، مردم تصمیم‌گیرندگان نهایی هستند.

در خصوص کشورهای در حال توسعه ابعاد موضوع پیچیده‌تر است، زیرا ساختار سیاسی نیز هزینه‌های سایه‌ای را بر دوش بنگاه‌های اقتصادی قرار داده است. در شرایط موجود که بیشتر کشورهای در حال توسعه در جهت آزادسازی عوامل تولید بسیج شده‌اند، این نارسایی وجود دارد که عدم‌پذیرش مؤلفه‌های مدرنیته از سوی طبقات اجتماعی خاص، آرایش حرکت‌های اقتصادی و سیاسی را در جهت دستیابی به منابع بیشتر و ظرفیت‌سازی با مشکل روبرو سازد. برای مثال، در ساختار اقتصادی مصر، عراق، افغانستان یا سایر کشورهایی که آرایش سیاسی‌شان در حال تغییر است، بازارها به طور هماهنگ با تحولات سیاسی پیش نمی‌روند و نوسانات ساختار اقتصادی، فضای مناسبی را برای تخصیص بهینه منابع فراهم نمی‌آورد. به زبان ساده‌تر، اولین معضل این جوامع، همانا عملکرد ناقص مکانیسم قیمت‌گذاری است، به طوری که نمی‌توان قیمت عوامل تولید را مبنای مناسبی برای جهت‌گیری رشد و توسعه اقتصادی در سطح کلان دانست. فرار سرمایه از این کشورها و بیکاری

هستند که عملکردهای متفاوتی دارند و نمی‌توان در مدیریت این بازارها به اندیشه‌های ناسازگار روی آورد. امروزه توصیه بر این است که امکان رقابت سازنده میان بازارها را بر مبنای کارایی و اثربخشی مورد توجه قرار دهیم، لیکن عملاً فقدان برنامه‌های جامع، باعث شده است که در کشورهای در حال توسعه این بازارها به صورت پارادوکس در کنار هم قرار گیرند.

نهایتاً بازار در مسیر تحولات توسعه به عنوان سازوکار توزیع ثروت، جایگاه خاصی یافته است. این جایگاه صرفاً در طول تاریخ تحولات اقتصادی در نیمه دوم قرن بیست به گونه‌ای تضعیف شد، در حالی که تاریخ نشان می‌دهد که بازار در شرایط رقابت انحصاری، به گونه‌ای عدالت‌گرا عمل می‌کند، و این شکاف طبقاتی را در گذشته کمتر شاهد بوده‌ایم.

بدینسان ملاحظه می‌کنید که نوسازی و اصلاحات بدون احیای جایگاه واقعی بازار میسر نیست. لازم به یادآوریست که هر نوع بازسازی مصنوعی در شرایط موجود، جز اتلاف نیرو و منابع چیزی نیست و باید بیاموزیم که مهندسی اجتماع با باورهای نادرست و تخصیص ناسالم عوامل تولید، درست مانند احداث واحدهای مسکونی سست پایه‌ای است که با کوچکترین زلزله دچار فروپاشی می‌شوند.

توجه خواهید نمود که منظور از بازار، بازار عوامل تولید، بازار کالا و خدمات، بازار سرمایه و بازار پول است. این بازارها احتمال دارد که با سازماندهی دولتی و کنترل‌های حکومتی، در کوتاه‌مدت به تعادل برسند، اما در درازمدت (دوره‌های زمانی ده‌ساله) با بحران روبرو می‌شوند. لذا توصیه بر آن است که دولت با اعتماد به نیروهای بازار، امکان ایجاد رونق و رقابت را برای بازارها فراهم کند، و دولت هم با سیاست‌گذاری، وظایف محوله اساسی خود را عهده‌دار شود.

اعتماد به دولت و ایجاد فضای دوستانه بین مردم و دولت نیز تنها در صورتی میسر است که دولت مردم را مسوولیت‌پذیر تربیت کند، و برای این کار دولت خود باید مسوولیت‌پذیر باشد. آنچه به عنوان بحران‌های سیاسی در کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود - مانند عدم اعتماد مردم به انتخابات سیاسی - نشان می‌دهد که دولت‌ها در جهت رفع کاستی‌ها پیشگام نبوده‌اند و در عین حال از مردم می‌خواهند تا قانونمند عمل کنند! اینگونه تقاضاها، مشروعیت خود را از دست می‌دهد و در نهایت دولت را به سمت مداخله در بازارها سوق می‌دهد. انتظار می‌رود که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه از این فرصت مناسب به درستی بهره‌برداری کنند و نسبت به آزادسازی بازارها اهتمام ورزند.

مسوولیت بزرگ

وظیفه سنگینی که بر دوش مردم و مسوولان قرار دارد، آن است که به دور از

اما عدالت‌خواهی در عمل محصول پذیرش عواملی است که بتوانند چرخه توزیع ثروت را بهبود بخشند. این عوامل می‌توانند تحت‌تاثیر موضوعات زیر باشند:

۱- قانون ضدانحصار،

۲- قوانین ضدپول‌شویی،

۳- شفاف‌سازی،

۴- قوانین مالیاتی.

در ساختار اقتصاد ایران، این عوامل در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، اما چون نظام بازار انعطاف‌پذیری لازم را در جهت پذیرش و اصلاح عملکردها در خود نمی‌دید، لذا دولت نتوانست با موفقیت این سیاست‌ها را اجرایی کند. امروز شرایط بازار نسبت به گذشته تغییر کرده و محتمل است که بازار برای اصلاحات از آمادگی بیشتری برخوردار باشد، لذا دولت می‌تواند از این فرصت در جهت اجرایی‌کردن سیاست‌های فوق بهره‌برداری کند.

تحولات عظیم در بازار

امروزه تحولات عمیقی در فرایند عملکرد بازار کشورهای در حال توسعه پیش آمده که نمی‌توان نسبت به آنها بی‌تفاوت بود. این تحولات عبارتند از:

۱- جایگاه ارزشمند "اطلاعات" در بازار،

۲- تغییر دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در بازار،

۳- تغییر موقعیت پول و سرمایه در موازنه قدرت،

۴- تغییر نقش بازار در فرایند توسعه.

اگرچه هریک از موارد فوق نیاز به شناخت گسترده دارند، اما به اختصار می‌توان یادآور شد که در مسیر جهانی‌شدن (۹) -

حرکت اقتصاد جهانی به سوی مقیاس‌های بزرگتر ساختاری و بازارسازی (Marketization) بر مبنای خلق مراکز جدید قدرت - تقسیم قدرت و شفاف‌سازی از طریق ارایه اطلاعات یک الزام است، و عنصر اطلاعات در بازار آنقدر ارزشمند است که اعتماد مردم را به عملکرد بازار منعکس می‌سازد. همچنین در این بازار، دیدگاه شرکت‌کنندگان کلاً تغییر کرده و انتظارات آنان از ورود به بازار چیزی بیشتر از مطلوبیت‌های اقتصادی است. از این رو، باید پذیرای این واقعیت باشیم که در بازار، مردم تصمیم‌گیرندگان نهایی هستند، و چون برخی از بازارها تسهیلات بیشتری را برای شرکت‌کنندگان در بازار فراهم می‌سازند، لذا انتظارات مردم روزبه‌روز بیشتر می‌شود. محصول کنش‌های فوق هم تغییر موقعیت پول و سرمایه در موازنه قدرت اقتصادی است.

بازار پول و بازار سرمایه دو بازاری

② رویدادهای غیرمنتظره بر بازارها اثر می‌گذارند.

تردید روبرو سازد. از این رو، تلاشی بیشتر از آنچه انتظار می‌رود، باید به‌وقوع پیوندد تا مردم در مسیر مشارکت با سرخوردگی روبرو نشوند.

انتظارات

در نیم قرن اخیر، مردم تمامی فرصت‌های طلایی را به دولتمردان دادند تا با تکیه بر اصلاحات، روند توسعه‌نیافتگی را متوقف کنند. این اعتماد به امید دستیابی به سطح زندگی مناسب‌تر به‌وجود آمد، اما نتایج نه رضایت مردم را جلب کرد و نه تسلی‌بخش دولتمردان بود. سیاستگذاران از همه گروه‌ها و دسته‌ها پا به عرصه فعالیت گذاشتند و با جان و دل تلاش نمودند، اما نتایج هرگز رضایت‌بخش نبود. اگر به طور نسبی هم بهبودی حاصل شد، نتیجه ورود فناوری به جامعه بود و این فناوری هم به طور طبیعی عملکردی تسهیل‌کننده داشت. از این رو، رویکرد به دولت رفاه^۱ جای خود را به "آزادسازی بازارها" داد تا تخصیص منابع، جلوی حیف‌ومیل منابع محدود را بگیرد. با این تفسیر، زمینه رقابت‌پذیری فراهم آمد. برخی از جوامع به‌طور مصنوعی محیط بازار را ساماندهی کردند و برخی نیز به‌طور جدی حرکت به سوی عدم‌تمرکز را ارج گذاشتند. صرف‌نظر از تاکتیک و تکنیک مورد بهره‌برداری، انتظارات مردم از تمامی تغییرات، همانا خروج از انحصارگرایی و دستیابی به بهبود جریان توزیع ثروت در جامعه است. پاسخ به این تقاضا هم فقط در چارچوب رقابت‌پذیری و ایجاد تعادل عمومی میسر است و نباید نسبت به آن تعلل ورزید.

منابع

(۱) به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

- Dransfield, Rob; Dransfield Don / 2003 / Key Ideas in Economics.
- Rutherford, Donald / 2002 / Routledge Dictionary of Economics / 2nd ed. / P. 363 / Routledge Pub.
- Pearce, David, W. / Macmillan Dictionary of Modern Economics / P. 274 / Macmillan Reference Books.
- 2) Robinson, J. / 1933 / The Economics of Imperfect Competition / London: Macmillan.
- 3) Hahn, F. / 1991 / The Next Hundred Years / The Economic Journal / Vol. 101 / PP.47-50.
- 4) Porter, M.E. / 1985 / Competitive Advantage / New York: Free Press.
- 5) Prahalad, C.K. & Hamel, G. / 1990 / The Core Competence of the Corporation / Harvard Business Review / Vol. 68 / No.3 / PP. 79-91.
- 6) Arrow, K.J. / 1983 / Collected Papers of Kenneth J. Arrow - General Equilibrium / Vol.2 / Oxford.
- 7) Latsis, S.J. / 1976 / A Research Programme in Economics Methods & Appraisal in Economics / Cambridge. U.P.
- ۸) مراجعه شود به کتاب Putting Systems to Work اثر Derek K. Hitchins / ترجمه رشید اصلانی / مرکز آموزش مدیریت دولتی / ۱۳۷۶ / تهران.
- 9) Doremus, P.N. & ... / 1998 / The Myth of the Global Corporation / P.5 / Princeton University Press / New Jersey.
- 10) Akta, Coskun Can / An Introduction to the Theory of Privatization.
- (۱۱) عبیری، غلامحسین / ۱۳۸۴ / آزادسازی: برنامه‌ریزی، دموکراسی و توسعه / انتشارات آیدن / تهران.

هیجان‌ناک‌دوب و بدبینی، مسوولیت‌پذیر باشند و نهال بازار را آبیاری کنند. بازار امروز به این توجه و حمایت نیاز دارد، اما این حمایت نباید زمینه باورهای غلط را گسترش دهد و بازاری ضعیف و وابسته را در بطن اقتصاد پایه‌ریزی کند.

نگرش منفی به "بازار" در نیمه دوم قرن بیست باعث شد که پدیده بازار جایگاه واقعی خود را از دست بدهد و رفتارهای نامناسب مبتنی بر فرصت‌طلبی پدید آید. تبلیغات دولت و روحیات مردم نیز در همین جهت بسترسازی شد و مردم از زیر بار مسوولیت شانه خالی کردند و به "زندگی یارانه‌ای" متکی شدند. بدیهی است که امروز بازگشت به حالت اولیه چندان سهل و ساده نیست و باید برای ایجاد شرایط مناسب "فرصت زمانی" قایل شد.

مسوولیت پیش روی مردم و دولت بسیار سنگین است و همه ساختارهای مرتبط باید نسبت به اصلاح امور با جدیت تلاش کنند. همسویی نیروها در جهت بازسازی و نوسازی امور، کمک به بهبود شرایط است. متأسفانه در عمل رفتارها و سیاست‌ها به دلیل تفسیرهای مختلف و درک متضاد، با تصمیم‌گیری‌های ضدتوقیف روبرو است و همین امر چالش‌هایی را به‌وجود آورده است.

مطالعه بازار و تحقیق در شناخت وضع موجود، کاملاً الزامی است و نباید در انجام آن غفلت ورزید. این مطالعه از زوایای مختلف فرهنگی، اقتصادی، روانی و جامعه‌شناختی می‌بایست جلو برود. بدیهی است که وجود تیم‌های تحقیقاتی در خصوص موضوعات مختلف، نتایج بهتری را پیش روی تصمیم‌گیران قرار خواهد داد.

لازم به یادآوریست که ایجاد تعادل عمومی (General Equilibrium) در بازارها همانطور که در بحث تئوریک کاملاً سنگین و عمیق است، در عمل هم بسیار سخت و دشوار است.

همچنین لازم است که در زمینه خصوصی‌سازی (Privatization) و واگذاری امور (Denationalization) تفاوت‌های لازم را در خصوص مدیریت امور و انجام فعالیت‌ها توسط بخش خصوصی از یاد نبریم^(۱۰).

خصوصی‌سازی و بازسازی بعضاً به علت فقدان تغییرات اساسی در روابط دولت و بخش خصوصی زمینه شکست بازار را به همراه دارند. از این رو، بهتر است که در فروش دارایی‌های عمومی به مردم یا به بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، اساس و منطق فروش دارایی‌ها را که فعال‌سازی و قدرتمند کردن نهاد بازار می‌باشد، به فراموشی نسپاریم. از این رو است که نویسنده همواره بر این مسأله تأکید داشته است که در فرایند جهانی‌شدن، آزادسازی پیش‌فرض اولیه و مقدم بر خصوصی‌سازی است^(۱۱).

از سوی دیگر، نباید هدف اصلی از رقابت‌پذیری را که کارایی تخصیص منابع و کارایی تولید است، در مسیر تغییر رابطه دولت و بخش خصوصی از یاد برد. از جمله نتایج پذیرش این مسوولیت بزرگ، همانا تغییر ساختار مالکیت کارکنان در فرایند واگذاری و فروش دولت به منظور توزیع عادلانه ثروت و رقابتی‌کردن انجام امور است.

موانع اصلی در مسیر رقابت‌پذیری و توزیع ثروت عبارتند از:

- ۱- فضای عدم‌اطمینان و بی‌ثباتی سیاسی،
 - ۲- فضای عدم‌اطمینان و بی‌ثباتی اقتصادی،
 - ۳- عدم توسعه بازار سرمایه.
- هریک از این عوامل به تنهایی می‌تواند موفقیت ما را در رسیدن به اهداف با